

The Expectations of the Future in Working Children and Adolescents

Hajar Ebrahimi Kiyasari 

Master's Student in Family Counseling,
Ardakan University, Ardakan, Iran .

Yasser Rezapour Mirsaleh * 

Associate Professor of Counseling,
Ardakan University, Ardakan, Iran.

1. Introduction

Today, one of the social harms in most societies, especially in developing countries, is the presence of children who work and live in the streets. Working children must deal with stress such as providing shelter and feeding, daily harassment and abuse, living in a chaotic and adult-controlled environment. Many working children have no idea and expectations of the future. Expectation of the future includes the cognitive elements of individuals viewpoints, interests and concerns about the future. Having positive thoughts for the future increases hope. Therefore, expectations from the future and the fulfillment of these expectations are important for the development of oneself and societies. Individual and contextual differences related to age, gender, socio-economic status and family background have a mutual effect on future expectations (Nurmi, 2005:31). Due to the deprivation of their basic citizenship and childhood rights, and being forced to work instead of pursuing education and leisure, working children probably do not have a correct idea of the future. They see the future as dire and terrible as today. Also, the evidence in adolescents suffering from social harm shows that having positive perceptions about the future is a protective factor against risky behaviors (McWhirter & McWhirter, 2008: 182). Instead of having a hopeful and well-planned future and growing up in a safe and intimate family environment, these children and teenagers grow up in the streets and alleys, which is a very unsafe and harmful environment and they are deprived of love and education, which is their most basic need. Many studies have been proposed about working children. Quantitative researches cannot provide in-depth information about future expectations in children and adolescents, and

* Corresponding Author: y.rezapour@ardakan.ac.ir

How to Cite: Ebrahimi Kiyasari, H; Rezapour Mirsaleh, Y. (2024). Expectations for the future in working children and adolescents , *Journal of Social Development and Welfare Planning*, 14(56), 313-346.

qualitative researches are needed for a better understanding. Therefore, this research was conducted with the aim of investigating the expectations of the future in working children and adolescents.

2. Literature Review

Many studies have been done on working children, but no research was found that qualitatively examined the expectations of the future in working children. Watkins and Zyck (2014) in their study entitled "Living on hope, hoping for Education: The failed response to the Syrian refugee crisis" concluded that poverty and the lack of education can result in lower hope for the future in children. In their study, Hendricks et al. (2015) investigated life aspirations among adolescents from a low-income community in Cape Town, South Africa. The results show that self-efficacy, self-esteem and social support are the most important factors affecting the aspirations of teenagers.

3. Methodology

This study conducted a qualitative design using thematic analysis method. A total of 12 working children and adolescents who lived in Sari city, Iran, were selected using purposeful sampling method. The sampling continued until their answers saturated. A semi-structured interview used to collect information. Interviews were analyzed using grounded theory method via open, central and selective coding.

4. Results

The results showed that the categories related to expectations from the future are classified in five dimensions: Compensating for the past for children (including giving freedom to children, raising children correctly and repaying love for children), striving while being contentment (including proving yourself to others and being content), trust-in-God (including hoping for God's help and believing in destiny), planning for the future, including (forward thinking, dreaming for the future, purposefulness, seeking peace, seeking job security, wishing for health for the family and conscious marriage) and pessimism (including two concepts of pessimism towards the future and negative attitude towards dreams). The relationship between the categories was shown with a paradigm model that focused on effort and contentment. Effort while contentment was one of the most important categories that working children and adolescents envisioned for their future. This category was more attractive and important than other categories and covers other categories as well and is considered as a central phenomenon.

5. Conclusion

According to the findings of the study, it can be concluded that working children suffered from lack of love, lack of facilities due to poverty and longing for a minimal life quality. All these factors made these people to provide conditions for their children in the future, so that the problems they had in their childhood will not affect their children. Some children had come to believe that they can make a better future for themselves by choosing the right goal, having a plan for the future and trusting in God. One of the limitations of the present study was the small number of samples and the lack of sufficient diversity in terms of the education level of the child, parents, and other demographic variables.

6. Acknowledgments


This article is taken from the master thesis affiliated to Ardakan University. Also, the authors would like to acknowledge the participants who cooperated in this study.


Keywords:



فصلنامه علمی برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی
دوره چهاردهم، شماره ۵۶، پاییز ۱۴۰۲، ۳۴۶-۳۱۳
qjds.atu.ac.ir
DOI: doi.org/10.22054/qjds.2022.63460.2245

انتظارات از آینده در کودکان و نوجوانان کار

هاجر ابراهیمی کیاسری *  دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران.

یاسر رضاپور میرصالح  دانشیار گروه مشاوره، دانشگاه اردکان، اردکان، ایران.

چکیده

این پژوهش باهدف بررسی انتظارات از آینده در کودکان و نوجوانان کار انجام شد. روش پژوهش کیفی بود و از تحلیل مضمون برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. جامعه متشکل از کودکان و نوجوانان کار در شهر ساری در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ بود و نمونه‌گیری به صورت هدفمند و تا اشباع نظری مصاحبه‌ها انجام شد. در نهایت ۱۲ نفر به شیوه نیمه ساختاریافته مورد مصاحبه قرار گرفتند و مصاحبه‌ها با استفاده از تحلیل مضمون تجزیه و تحلیل شدند. نتایج نشان داد مقوله‌های مربوط به انتظارات از آینده در پنج بعد جبران گذشته برای فرزندان، تلاش در عین قناعت، توکل، برنامه‌ریزی برای آینده و بدینی طبقه‌بندی می‌شود. ارتباط بین مقوله‌ها با یک‌الگو نشان داده شد که تلاش در عین قناعت در محور آن قرار گرفت. نتایج پژوهش نشان داد مشکلات اقتصادی که کودکان کار دارند، انتظار آن‌ها از آینده را تحت الشعاع قرار می‌دهد و بیشتر این کودکان در نظر دارند زندگی خود را به نوعی پیش ببرند که فرزندان‌شان چنین زندگی را تجربه نکنند. برخی از کودکان با هدف‌گزینی مناسب، برنامه داشتن برای آینده و توکل به خداوند به این باور رسیده بودند که می‌توانند آینده بهتری را برای خودشان رقم بزنند.

واژه‌های کلیدی: انتظارات از آینده، کودکان کار، نوجوانان کار، هدف‌گزینی

مقدمه (بیان مسئله و ضرورت پژوهش)

کار کودکان یک مسئله جهانی است؛ چون بر سلامت جسمانی، ذهنی و اخلاقی کودکان تأثیر می‌گذارد (Saad-Lessler, 2010: 327). منظور از کار کودکان اشتغال کودکان در هر کاری است که آن‌ها را از خوشی‌های سنین کودکی محروم می‌کند و در توانایی آن‌ها برای حضور طبیعی در مدرسه اختلال ایجاد می‌کند که این موضوع از نظر روحی، جسمی، اجتماعی یا اخلاقی خطرناک و آسیب‌زا می‌باشد (Ghahremaniat el, 2019: 10070). دلیل اصلی روند رو به رشد این پدیده در ایران را می‌توان به ساختار اجتماعی و اقتصادی ناشی از افزایش شهرنشینی و رفاه شهروندان نسبت داد (Salihu, 2010: 3).

طبق برنامه بین‌المللی حذف کار کودکان^۱ (۲۰۱۰) میلیون‌ها کودک بین سنین ۵ تا ۱۸ سال در کشورهای توسعه‌یافته وجود دارند که درگیر کارهای خطرناک هستند (Bilgin, 2012: 81). این کودکان به جای بازی و انجام فعالیت‌های مدرسه، موظف به کار و گذراندن وقت خود در خیابان‌ها هستند. زندگی کاری آن‌ها حتی از حضور در مدرسه نیز مهم‌تر می‌شود، حتی اگر در مدرسه تحصیل کنند (Radmard & Beltekin, 2014: 1338). در جامعه معاصر ایران به دلایل بسیاری از جمله طلاق والدین، زندگی در خانه با یکی از اعضای معتاد خانواده، درگیری والدین در جرم و جنایت و بدرفتاری روحی و جسمی آن‌ها با کودک و فقر خانواده، شاهد افزایش کودکان کار هستیم.

بدیهی است که بسیاری از این کودکان کار از نظر جسمی بیمار هستند؛ برخی افسرده و برخی درگیر مواد مخدر و بزه‌کاری هستند و بسیاری از این کودکان در خیابان‌ها توسط افراد و گروه‌های مختلف در معرض آزار جسمی قرار دارند (Bilgin, 2009: 235). کودکانی که در خیابان کار می‌کنند در مقابل افسران پلیس و شهرداری قرار می‌گیرند و توسط افراد مختلف مورد بدرفتاری واقع می‌شوند. آن‌ها وارد باندهای خیابانی شده و از مواد مضر استفاده می‌کنند. بیشتر کودکانی که در محیط‌های خطرناک در خیابان‌ها کار

می‌کنند مجبورند مدرسه را ترک کنند و از خانه فرار کنند و چون با والدین خود مشکل دارند ناچارند بیشتر وقت خود را در خیابان‌ها بگذرانند.

نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد که دلایل اصلی گرایش کودکان به کار در خیابان‌ها مرگ والدین، فقر، خانواده ناکارآمد و اعتیاد والدین است (Homaie Rad et al, 2013: 9, Afshani et al, 2019: 1244). شواهد نشان می‌دهد که جز مواردی که در آن نوجوانان تنها چند ساعت در هفته کار می‌کنند؛ کار کودکان و نوجوانان برای توسعه، موفقیت آموزشی و سلامتی آن‌ها مضر است (Sim et al, 2017: 147, Ilahi et al, 2009: 90). کودکان کار در معرض شدید جراحات، مواد شیمیایی و فیزیکی، آلودگی‌های شغلی، مشکلات ارگونومیک و مشکلات روانی هستند (Holgado et al, 2014: 61). پژوهش نشان می‌دهد که بیش از ۷۰ درصد کودکان کار مورد آزار جسمی والدین قرار گرفته‌اند (Afshani et al, 2013: 95).

بسیاری از کودکان کار هیچ تصور و انتظاری از آینده ندارند. انتظارات از آینده عبارت است از پیش‌فرض یک فرد در مورد شرایط و ضوابطی که در آینده شکل خواهد گرفت. انتظارات آینده نقش مهمی در زندگی هدفمند فرد دارد. در این زمینه، محیط اجتماعی کودک و اهمیت زیرساخت‌های ایجادشده توسط جامعه برای آینده فرد باید مورد توجه قرار بگیرد. آموزشی که کودک دریافت می‌کند، دستاوردهای فردی و دستاوردهایی که محیط به او ارائه می‌دهد باعث می‌شود انتظارات آینده کودک شکل بگیرد. انتظارات آینده نقشه‌های شناختی هستند که علائق و نگرانی‌های افراد را به خود اختصاص می‌دهند. از دیدگاه نظری، امید به آینده تأثیر زیادی بر افراد دارد که به آن‌ها در تصمیم‌گیری شرایط فعلی کمک می‌کند (Nurmi, 2005: 31).

محیط مدرسه نقش مهمی در شکل‌گیری انتظار از آینده در افراد دارد (Kızmaz & Bilgin, 2010: 384). در این زمینه، تمام سطوح سازمان‌های آموزشی و مدیران مسئولیت‌های زیادی دارند. امید به آینده در کودکان و نوجوانان اطلاعات مهمی را برای مربیان، جامعه‌شناسان و سیاست‌گذاران فراهم می‌کند. امید به آینده در درجه اول حاوی

اطلاعاتی در مورد میزان رضایت از زندگی است. همچنین برای خدمات آموزشی و راهنمایی اطلاعات لازم را فراهم می‌کنند؛ این اطلاعات شامل چگونگی درک اهداف و برنامه‌ریزی برای آینده می‌باشد که ممکن است نقش مهمی در پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر داشته باشند. افرادی که با انتظارات بالاتر برای آینده پرورش می‌یابند، افزایش ظرفیت یادگیری را نشان می‌دهند، کارآمدتر می‌شوند و در یک پایگاه اجتماعی با افزایش عملکردی که دارند، رضایت بیشتری را کسب می‌کنند (Marques, Lopez & Pais- Ribeiro, 2011: 145).

با توجه به مطالعات مربوط به انتظارات آینده، کودکانی که امید به آینده دارند سازگاری اجتماعی و ویژگی‌های تصمیم‌گیری مستقل را نشان داده و تمایل دارند در اهداف خود موفق باشند و در نتیجه تمایل به تجربه عواطف مثبت بیشتری دارند. افرادی که امید به آینده در آن‌ها پایین است در غلبه بر موانع دستیابی به هدف، مشکلات بیشتری دارند، بنابراین تمایل به تجربه منفی نیز در آن‌ها بیشتر می‌شود (Lopez et al, 2003: 97; Snyder, 2002: 252). زندگی کودکان کار همراه با کار اجباری و محرومیت از حقوق شهروندی و کودکی است، و تصور از آینده از منظر آن‌ها هنوز مورد شناخت درستی قرار نگرفته است.

شیوع بالای کار کودکان در کشورهای در حال توسعه به عواملی چون نرخ بالای فقر و رشد بالای جمعیت مربوط می‌شود. پدیده کودکان کار در سال‌های اخیر در اکثر شهرها گسترش یافته است و به عنوان یکی از آسیب‌های اجتماعی نه تنها بخش قابل توجهی از کودکان و نوجوانان را که سرمایه‌های آینده کشور هستند در معرض آسیب‌ها قرار داده است، بلکه خانواده و جامعه را هم با زیان‌های جبران‌ناپذیری مواجه ساخته است (حسینی، ۲۰۰۶: ۱۵۵). یک مطالعه در کودکان کار در شهر تهران نشان داد که ۹۰ درصد کودکان کار را پسران با محدوده سنی ۵ تا ۱۸ سال تشکیل می‌دهند. حدود ۹۰ درصد آن‌ها دارای هر دو والد هستند و اعضای خانواده آن‌ها به‌طور میانگین ۸ نفر است. ۸۰ درصد

خانواده‌های این کودکان مهاجرند که ۶۴ درصد از روستا و ۳۶ درصد از کشورهای دیگر می‌باشند (سلیمانی و حاجیان، ۱۳۹۲: ۵۶).

مطالعات نشان می‌دهند که شرایط درون خانواده کودکان کار خیابانی، شامل رفتار انحرافی درون خانواده، تغییر ساختار خانواده، روابط درون خانواده و پایگاه اقتصادی و اجتماعی بر امید به آینده کودکان کار تأثیر منفی می‌گذارد (سفیری و همکاران، ۱۳۹۳). باورهای مثبت در رابطه با آینده با برنامه‌های بلندمدت برای آموزش عالی، افکار مثبت در رابطه با کار، سازگاری اجتماعی و عاطفی بهتر در مدرسه و درک خود از شایستگی همراه است (Catalano et al, 2004: 112).

افرادی که چشم‌اندازهای طولانی مدت و بلندمدت در مورد آینده دارند، یک الگوی پایدار و سالم از برنامه‌ریزی را نشان می‌دهند، و به ویژه در مقایسه با افرادی که چشم‌انداز کوتاه مدت در مورد آینده دارند قادرند رضایت را به تأخیر بیندازند و انگیزه و تعهد بیشتری برای پیگیری اهداف خود دارند (Catalano et al, 2004: 112)، این موضوع نشان‌دهنده نقش بالقوه حفاظتی در جهت‌گیری‌های آینده مثبت و بلندمدت در نوجوانان است. بنابراین امیدواری و تقویت حس مثبت نسبت به آینده می‌تواند موضوع بسیار مهمی در رشد و ارتقای زندگی کودکان کار باشد. زیرا کودکان کار به دلیل تحمل شرایط سخت زندگی در دوران کودکی، ممکن است امید خود را نسبت به آینده از دست بدهند و به دلیل نگرش منفی نسبت به آینده، از تلاش برای بهبود آینده نیز سرباز زنند.

با این وجود، به دلیل اینکه پژوهش مدونی به بررسی امید به آینده در کودکان و نوجوانان کار نپرداخته است، هرگونه قضاوت در این زمینه مبتنی بر حدس و گمان است و بهتر است ابتدا جزئیات امید به آینده در کودکان و نوجوانان کار واکاوی شود تا بتوان تصمیم‌گیری درستی در این زمینه برای این کودکان داشت. با توجه به اهمیت نگرش و انتظار به آینده در شکل‌دهی و برنامه‌ریزی رفتارهای فعلی افراد، این مطالعه با هدف انتظارات آینده در کودکان و نوجوانان کار انجام شد.

پیشینه تجربی پژوهش

سیمبر و همکاران (۱۳۹۸) در یک پژوهش علی-مقایسه‌ای که با عنوان مقایسه امید به آینده، روابط دلبستگی، و مشکلات هیجانی-رفتاری در ۵۰ نفر از کودکان کار و یک گروه شاهد انجام دادند به این نتیجه رسیدند که شرایط سخت زندگی کودکان کار باعث می‌شود تا حمایت لازم کافی را از خانواده و والدین حامی دریافت نکنند و این خلأ، موجب عدم شکل‌گیری دلبستگی ایمن با والدین شده و میزان امید به آینده را در آن‌ها کاهش می‌دهد. از سویی دیگر، محیط کار برای کودکان سرشار از بدرفتاری‌های جسمی و جنسی است که موجب بروز مشکلات هیجانی-رفتاری در آن‌ها می‌شود.

عبداللهی (۱۳۸۹) در پژوهش خود به بررسی میزان امید به آینده در دانش‌آموزان دختر و پسر دوره متوسطه پرداخت. این پژوهش با روش مروری انجام شد. نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد، که میزان دینداری و پایگاه اقتصادی اجتماعی خانواده با ۷ و ۱۱ درصد، بیش‌ترین سهم را در تبیین میزان امید به آینده دارند.

هندریکس^۱ و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهش خود به بررسی تأثیر بر آرمان‌های زندگی در میان نوجوانان یک جامعه کم‌درآمد در کیپ‌تاون، آفریقای جنوبی یک طرح اکتشافی ترکیبی متوالی در دو مرحله معجزا را انجام دادند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که خود کارآمدی، عزت‌نفس و حمایت اجتماعی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر آرزوهای نوجوانان می‌باشد.

سنین و نگ^۲ (۲۰۱۲) در پژوهش خود با عنوان آرزوهای آموزشی جوانان مالایی از خانواده‌های کم‌درآمد در سنگاپور انجام دادند و به این نتیجه رسیدند نوجوانان از خانواده کم‌درآمد نسبت به نوجوانان سایر قومیت‌ها تمایلات تحصیلی پایین‌تری دارند وایمن^۱ و همکاران (۱۹۹۳) در پژوهش با عنوان نقش انتظارات آینده کودکان در عملکرد خود سیستم و سازگاری با استرس زندگی: مطالعه آینده‌نگر کودکان در معرض

1. Hendricks
2. Senin & Ng

خطر شهری انجام دادند به این نتیجه رسیدند که انتظارات مثبت اولیه آینده، سازگاری اجتماعی-عاطفی در مدرسه و منبع کنترل درونی بیشتری را در سال‌های بعدی پیش‌بینی می‌کند و به عنوان یک عامل محافظتی در کاهش اثرات منفی استرس بالا عمل می‌کند همچنین انتظارات مثبت مشخصه کودکان تاب آور است، سازگار است.

مونوزو^۲ و همکاران (۲۰۱۹) پژوهشی با عنوان منشأ امید: امید بیرونی در والدین به عنوان پیشینه امید درونی و رضایت از زندگی در نوجوانان انجام دادند. این پژوهش به مطالعه مقطعی از نوع معادلات ساختاری بود که در ۱۱۳۴ نفر از نوجوانان آمریکایی انجام شد. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که والدین می‌توانند به عنوان محرک خارجی مخصوصاً زمانی که نوجوانان این نیاز را درک کنند می‌توانند در رسیدن به اهدافشان به آن‌ها کمک کنند.

واتکینز و زیچک^۳ (۲۰۱۴) در پژوهش‌هایی که با عنوان زندگی با امید و امید به تحصیل در نوجوانان کشور سوریه انجام داده‌اند به این نتیجه رسیدند که فقر و نبود امکان تحصیل می‌تواند در کودکان باعث پایین آمدن امید به آینده شود. این کودکان که در خیابان‌ها کار می‌کنند اسباب‌بازی، گل و خوراکی می‌فروشد که این فعالیت‌ها از طرف شهروندان عادی تلقی می‌شود.

سفیری و همکاران (۱۳۹۳) پژوهش با عنوان مطالعه امید به آینده کودکان کار خیابانی که به شیوه توصیفی-پیمایشی از ۱۰۰ نفر از کودکان خیابانی شهر تهران انجام دادند به این نتیجه رسیدند شرایط درون خانواده کودکان کار خیابانی، بر امید به آینده کودکان کار تأثیر منفی می‌گذارد.

فدر^۴ (۱۹۹۶) پژوهشی با عنوان تأثیر موفقیت و شکست قبلی بر انتظارات مثبت و عملکردهای بعدی نشان داد که انتظارات مثبت در مورد آینده می‌تواند اعتماد به توانایی فرد برای موفقیت را افزایش دهد.

-
1. Wyman
 2. Munoz
 3. Watkins & Zyck
 4. Feather

همان‌گونه که بیان شد، مطالعات زیادی درباره کودکان کار انجام شده است ولی پژوهشی که به شیوه کیفی انتظارات از آینده را در کودکان کار را مورد بررسی قرار داده باشد یافت نشد. محدود پژوهش‌های انجام شده نیز به شیوه کمی انتظارات از آینده یا به‌طور کلی تر امید را در کودکان کار مورد بررسی قرار داده بودند که مشخص نمی‌کردند کودکان کار چه نگرش و تصویری در مورد آینده خود دارند، چه برنامه‌ریزی برای آن انجام داده‌اند و به‌طور کلی انتظار آن‌ها از آینده چیست. از آنجاکه کودکان کار با مشکلات زیادی روبه‌رو هستند، لذا ضروری است مطالعات گسترده در این زمینه صورت بگیرد تا به بهبود زندگی آن‌ها کمک شود. آینده، سرنوشت این کودکان و اینکه نگاهشان به آینده خود چگونه است مورد توجه جدی قرار نگرفته است. بنابراین با توجه به محدود بودن پژوهش انجام شده در این زمینه، پژوهش در این خصوص امری لازم و ضروری می‌باشد.

چارچوب مفهومی

انتظارات از آینده از نظریه‌های جهت‌گیری زمانی و نظریه انگیزش متمایز هستند. انتظار از آینده به عنوان یک دیدگاه زمانی، یک گرایش شناختی نسبت به گذشته، آینده یا زمان حال است. این سازه اغلب با جستجوی احساس و تکانشگری همراه است (Sipsma et al., 2010: 520). راموس و همکارانش سه جهت‌گیری نظری اصلی مرتبط با اهداف آینده نوجوانان را شناسایی کردند: (الف) نظریه چشم‌انداز زمان آینده، (ب) نظریه تعیین سرنوشت و (ج) فرآیندهای شناختی و عصبی مربوط به توسعه اهداف برای آینده (Ramos, Seidl-de-Moura & Pessôa, 2013: 470).

نظریه چشم‌انداز زمان آینده، تأثیر فعلی اهداف آینده را بررسی می‌کند، بر اساس آن افراد اهداف آتی بیشتری را برای خود ایجاد می‌کنند و زمان رسیدن به آن‌ها را تعیین می‌کنند. نظریه خودمختاری به بررسی انگیزه‌های درونی و بیرونی و عواملی می‌پردازد که این انگیزه‌ها را ترویج می‌دهند (Deci & Ryan, 2000: 230). نظریه دیدگاه آینده و نظریه خودمختاری باهم همپوشانی دارند. به‌عنوان مثال افرادی که با داشتن اهداف آتی

یک انگیزه درونی را ارائه می‌دهند؛ بیشتر مستقل‌اند و در اتخاذ اقدامات خود نسبت به اهداف آتی خود پافشاری می‌کنند (Deci & Ryan, 2009: 158; Vansteenkiste et al, 2009: 158; Ramos, Seidl-de-Moura & Pessôa, 2013: 470).

مطالعات نشان می‌دهند که افراد آینده‌گرا وقتی در معرض مواردی با گرایش زمانی به آینده قرار می‌گیرند، نسبت به سایر افراد، در زمان واکنش، منابع شناختی و دقت بیشتری را سرمایه‌گذاری می‌کنند (Nowak et al, 2013: 252). گرایش به آینده بر تعریف و اکتشاف در زمینه برنامه‌ریزی و تعهد به اهداف تأثیر می‌گذارد و فرآیند رشد خود را در سه حوزه هدایت می‌کند: (الف) آموزش عالی، (ب) کار و شغل و (ج) ازدواج و خانواده. باورهای مثبت نسبت به آینده با برنامه‌های بلندمدت برای آموزش عالی، افکار مثبت در رابطه با کار، سازگاری اجتماعی و عاطفی بهتر در مدرسه و درک خود از شایستگی ارتباط دارد. این موضوع نشان‌دهنده نقش بالقوه حفاظتی در جهت‌گیری‌های آینده مثبت و بلندمدت در نوجوانان است به علاوه نوجوانان تا حدی در آینده سرمایه‌گذاری خواهند کرد که پاداش دریافت کنند و بتوانند به اهداف خود دست یابند (Seginer, 2008: 276, McWhirter & McWhirter, 2008: 185).

تنها نظریه‌ای که به صورت متمرکز نام امید را در توصیف خود به کار برده نظریه امید اسنایدر است. مطالعات اسنایدر از فعالیت‌های بندورا و سلیگمن گرفته شده است، اما برخلاف آن‌ها و تا حدودی به دلیل تعاملات شخصی اسنایدر با همکارش کانسان کارل منننگر، این مطالعات بیشتر شکل تحقیقاتی به خود گرفته است. طبق نظر اسنایدر^۱ (۱۹۹۴)، بنیان‌های امید و رفتار هدفمند در دو تا سه سال اول زندگی ایجاد می‌شود. نحوه درک و یادگیری فرد در مورد تفکرات امیدوارکننده همچنان در طول سال‌های پیش‌دبستانی (۳ تا ۶)، سال‌های میانی (۷ تا ۱۲) و نوجوانی (۱۳ تا ۱۸) شکل می‌گیرد که موجب رشد کودک نیز می‌شود. اسنایدر به‌طور خاص از زبان امید استفاده می‌کند. از نظر اسنایدر امید یک حالت انگیزشی مثبت است که مبتنی بر حس تعاملی موفقیت‌آمیز بود و شامل دو جزء

1. Snyder

عاملیت (انرژی هدایت شده به سمت هدف) و مسیرها (برنامه‌ریزی برای رسیدن به اهداف) است (اسنایدر، ۲۰۰۲).

امید یک فرآیند شناختی است که بر مبنای یک حس متقابل تصمیم‌گیری به سمت هدف و برنامه‌ریزی برای رسیدن به اهداف استوار است (Snyder et al, 1991: 573). امید وضعیتی را مشخص می‌کند که در آن فرد اهداف را با احتمال متوسط یا نامشخص برای دستیابی به آن‌ها دنبال می‌کند و نه تنها مسیرهایی را برای دستیابی به هدف شناسایی می‌کند (تفکر مسیر)، بلکه بر این باور است که می‌تواند از آن مسیرها برای رسیدن به اهداف مورد نظر استفاده کند (تفکر سازمانی). اسنایدر و همکارانش در انواع مختلفی از پژوهش‌ها با استفاده از مقیاس امید تأیید کرده‌اند که افراد امیدوار در مقابله با مشکلات مهارت بیشتری دارند و افسردگی و اضطراب کمتری را تجربه می‌کنند (Rand & Cheavens, 2009: 326).

روش پژوهش

این پژوهش کیفی و از شیوه تحلیل مضمون برای تحلیل داده‌ها استفاده شد. این روش اغلب به عنوان یک رویکرد طبیعت‌گرا است. در این روش پژوهشگر قبل از هرگونه تحلیل باید داده‌هایی را که از روش‌های مختلف گردآوری شده است، کدگذاری و طبقه‌بندی کند. میدان مطالعه حاضر کلیه کودکان و نوجوانان کار در شهر ساری می‌باشند. این کودکان و نوجوانان توسط بهزیستی شهر ساری شناسایی شده بودند. نمونه شرکت‌کنندگان در پژوهش توسط بهزیستی معرفی می‌شد با این وجود ملاک‌های ورود و خروج برای نمونه‌گیری در نظر گرفته شد. هرچند بعد از پایان هر مصاحبه از شرکت‌کنندگان خواسته می‌شد تا اگر کودک و نوجوانی مشابه خودشان را می‌شناسند معرفی کنند.

روش نمونه‌گیری مورد استفاده در این پژوهش، نمونه‌گیری هدفمند است؛ در این روش، نمونه‌هایی انتخاب می‌شود که برای رسیدن به اهداف پژوهش مناسب باشد و

اطلاعات خوبی در اختیار پژوهشگر قرار دهند. در مطالعات کیفی حجم نمونه در ابتدای پژوهش قابل محاسبه نیست و مصاحبه تا آنجا ادامه پیدا می‌کند که یافته‌های مصاحبه به حد اشباع برسد. از نشانه‌های رسیدن به نقطه اشباع، روبرو شدن با داده‌های تکراری است. ملاک‌های انتخاب نمونه برای ورود به پژوهش، کودکان و نوجوانانی هستند که طبق قوانین اجتماعی زیر سن قانونی (۱۸ سال) سن دارند، به دلیل وضعیت فقر خانوادگی منبع درآمدی برای خانواده بوده و به این دلیل روند تحصیل و روابط اجتماعی آن‌ها مختل شده است. همچنین ملاک‌های خروج از پژوهش مبتلا بودن به اختلال روانی یا عدم سلامت روان و عدم رضایت فرد برای شرکت در مصاحبه در نظر گرفته شد.

ابزار اندازه‌گیری نیز مصاحبه نیمه ساختاریافته بود. ابتدا سؤالاتی را که دربرگیرنده انتظارات از آینده در کودکان و نوجوانان کار بود، طراحی شد و سپس روایی سؤالات طراحی شده با استفاده از نظر اساتید صاحب‌نظر در این زمینه مورد بررسی قرار گرفت. سپس به صورت مقدماتی با ۲ نفر مصاحبه به عمل آمد و با توجه به نظر آزمودنی‌ها در مورد جامع و مانع بودن سؤالات تغییراتی در آن‌ها داده شد. همچنین پرسش محوری مصاحبه این بود چه تصویری از خانواده دارید و در آینده می‌خواهید خانواده خودتان چگونه باشد. با توجه به هدف پژوهش، پژوهشگر برای بررسی عمیق‌تر موضوع از سؤالات پیگیری استفاده نمود. برای مثال: چه انتظاراتی از آینده دارید؟ آینده‌ای که شما ترجیح می‌دهید، چیست؟ دوست دارید چه چیزهایی در آینده به دست آورید؟ آرزوهای شما چیست؟

به منظور درک بهتر اطلاعات و پس از رضایت از کودکان کار، تمامی مکالمات ضبط گردید. مصاحبه‌ها تا آنجا ادامه یافت که ۹۵٪ پاسخ آزمودنی‌ها، تکراری شده بود که تقریباً پس از ۱۰ مصاحبه اشباع نظری ایجاد شد. برای اطمینان، مصاحبه‌ها با ۲ نفر دیگر نیز ادامه پیدا کرد و در مجموع ۱۲ نفر مورد مصاحبه قرار گرفتند. ممکن است در نگاه اول، حجم نمونه پایین به نظر برسد اما چون در کودکان کار نمونه‌گیری بسیار سخت بود سعی پژوهشگران بر این بود که نمونه‌ها به گونه‌ای انتخاب شوند که توانایی پاسخگویی به سؤالات مصاحبه‌ها را داشته باشند.

مصاحبه‌ها به صورت عمیق انجام شد و سعی بر این بود سؤالات به گونه‌ای مطرح شوند که برای شرکت‌کنندگان قابل درک باشد و بتوانند حداکثر نگرش آن‌ها به آینده را فراخوانی کنند. به عبارتی دیگر، سعی بر آن بود که شرکت‌کنندگان حداکثر بازنمایی را از مفهوم مورد هدف پژوهش داشته باشند به صورتی که حداقل یک‌سوم تا نیمی از ۱۲ نفر، به مفاهیم پژوهش اشاره می‌کردند. به‌عنوان مثال، به مفهوم "آزادی دادن به فرزندان" حداقل بین ۴ تا ۶ نفر اشاره می‌کردند. با این وجود، سعی بر این بود که پیش‌فرض‌های ذهنی مصاحبه‌گر در سؤالات وارد نشود و سؤالات اصلی مصاحبه بدون تغییر از همه شرکت‌کنندگان پرسیده شد. حتی سعی بر این بود که حالات هیجانی و غیرکلامی مصاحبه‌گر زمان پرسش در موارد مثبت امید به آینده و یا موارد منفی مانند بدبینی نسبت به آینده تغییری نکند تا در پاسخ‌دهی کودکان و نوجوانان تأثیری نداشته باشد.

بعد از انجام کدگذاری اولیه، مصاحبه‌ها و جدول‌های کدگذاری در اختیار چند پژوهشگر که به زمینه موضوع آشنایی دارند قرار داده شد تا آن‌ها نیز فرآیند کدگذاری را تأیید کنند. برای اطمینان از صحت کدگذاری، منابع و مستندات، و حتی ادبیات پژوهشی مرور شد و از هر سه فرایند کدگذاری و روند پیوستار بین آن‌ها، خصوصاً در پیوستگی بین مقوله‌ها در الگوی پارادایمی، اطمینان حاصل شد. اعتبارسنجی، بخشی فعال در فرایند پژوهش داده بنیاد است چرا که پس از تدوین یک نظریه، نظریه‌پرداز داده بنیاد، اعتبارسنجی را به وسیله مقایسه فرایند با فرایندهایی که در پیشینه تخصصی یافت می‌شود انجام می‌دهد. در پژوهش کیفی اعتبار، معادل معیار روایی درونی در پژوهش کمی است. پژوهشگر می‌تواند معیار اعتبار پژوهش‌ها را با درگیری پیوسته و طولانی مدت، مشاهده مداوم، بازبینی، ذهنیت پیش‌رونده، مشارکت شرکت‌کنندگان، برآورده سازد.

انتقال معادل روایی بیرونی در پژوهش کمی است. منظور از روایی بیرونی میزان قابلیت تعمیم‌یافته‌ها می‌باشد. اعتماد، معادل پایایی در پژوهش کمی است. در پژوهش کمی منظور از پایایی، میزان ثبات نتایج به‌دست‌آمده در شرایط زمانی و مکانی مختلف است. تأیید معادل عینیت در پژوهش کمی است. در پژوهش کمی، عینیت به معنای به

حداقل رساندن تأثیر قضاوت شخصی پژوهشگر بر یافته‌ها است. در پژوهش حاضر، تمام شرکت‌کنندگان با رضایت آگاهانه خود و یکی از والدین یا سرپرستان در پژوهش شرکت داشتند و پژوهشگر به آن‌ها اطمینان دادند که نتایج پژوهش محرمانه خواهد بود.

یافته‌ها

در مورد اطلاعات جمعیت شناختی از میان دوازده نفر شرکت‌کننده در پژوهش هفت نفر پسر و پنج نفر دختر بودند که پنج نفر (سه دختر و دو پسر) متأهل و هفت نفر مجرد بودند. به دلیل مشکلات اقتصادی و اضافه شدن یک کمک‌خرج به خانواده، در بعضی از نوجوانان شرکت‌کننده در پژوهش که سن بالاتری داشتند، شاهد کودک همسری بودیم. در مورد شغل پدر و مادر این کودکان باید گفت که مادر بیشتر این کودکان (هفت نفر از دوازده نفر) دست‌فروش و پدرانشان بیکار یا معتاد بودند. کودکانی که با آن‌ها مصاحبه شد در محدوده سنی ۹ تا ۱۸ سال بودند. یک نفر از این کودکان دارای تحصیلات، شش نفر تا ابتدایی تحصیل کرده بودند و بقیه بی‌سواد بودند.

به منظور بررسی کیفی انتظارات از آینده در کودکان و نوجوانان کار ابتدا مصاحبه‌ها به صورت باز کدگذاری شدند. کدهای اصلی استخراج‌شده، جبران گذشته برای فرزندان، تلاش در عین قناعت، توکل، برنامه‌ریزی برای آینده و بدبینی است که در جدول زیر آورده شده است.

جدول ۱- مفاهیم و مقوله‌های مربوط به انتظارات از آینده

مقوله هسته	مقوله‌های مرتبه دوم	مقوله‌های مرتبه اول	مفاهیم
تلاش در عین قناعت	جبران کاستی‌ها	جبران گذشته خود برای فرزندان	آزادی دادن به فرزندان، تربیت صحیح فرزندان، جبران محبت برای فرزندان
		تلاش در عین قناعت	تلاش برای اثبات خود به دیگران، قانع بودن
	آینده‌نگری	توکل	امید به کمک خداوند، اعتقادات به قضا و قدر
		برنامه‌ریزی برای آینده	تفکر آینده‌نگر، رؤیاپردازی برای آینده، هدفمندی، جستجو آرامش، جستجو امنیت شغلی، آرزوی سلامتی برای خانواده، ازدواج آگاهانه
	نامیدی	بدبینی	بدبینی نسبت به آینده نگرش منفی نسبت به آرزوهایی شخصی، ترس از آینده

۱- جبران کاستی‌ها

یکی از مقوله‌های مهمی که کودکان و نوجوانان کار در انتظارات از آینده خود بیان کردند جبران کاستی‌ها بود. استفاده مناسب از موقعیت‌ها، فرصت‌ها، و منابع درونی و بیرونی فرد برای خلق رفتار بهتر نسبت به قبل در موضوع تکراری شبیه موضوع قبل، دلالت دارد. در تحلیل مصاحبه‌ها «جبران گذشته برای فرزندان» و «تلاش در عین قناعت» در مقوله جبران کاستی‌ها طبقه‌بندی شده‌اند.

۱-۱- جبران گذشته برای فرزندان

کودک دوست داشت در آینده کاری کند که فرزندانش حداقل با مشکلاتی که او با آن‌ها مواجه بوده، روبرو نشوند. این مقوله حاصل سه مفهوم «آزادی دادن به فرزندان»، «تربیت صحیح فرزندان» و «جبران محبت برای فرزندان» می‌باشد.

شرکت کننده شماره ۵ در مورد «مفهوم آزادی دادن به فرزندان» می‌گفت: «به فرزندانم آزادی می‌دهم در مسیری که موفقیت است حرکت کنند نه در مسیر خلاف. قفس

نمی‌شوم برای آن‌ها».

شرکت‌کننده شماره ۳ در مورد «مفهوم تربیت صحیح فرزندان» می‌گفت: «بچه هام دنبال دزدی و کار خلاف نروند چون عاقبت خوبی ندارد. دوست ندارم بچه‌ها بروند دزدی کنند و کار خلاف کنند و دعوا کنند».

شرکت‌کننده شماره ۱۲ در مورد «جبران محبت برای فرزندان» می‌گفت: «هر کمبودی که پدرم برای من گذاشت می‌خواهم آن کمبودها را برای فرزندانم جبران کنم»

۱-۲- تلاش در عین قناعت

منظور از این مفهوم تلاش فرد برای رسیدن به آن هدف یا دنیایی است که برای خود تعریف کرده و معنی که برای خود دارد. تلاش در عین قناعت یعنی فرد در عین این که از آنچه دارد راضی و خشنود است، برای وضعیت بهتر خود هم تلاش می‌کند. این مقوله حاصل دو مفهوم «اثبات خود به دیگران» و «قانع بودن» است.

شرکت‌کننده شماره ۱۲ در مورد «اثبات خود به دیگران» اشاره می‌کرد: «من دنبال خوشی دائم بودم همه بفهمند که من موفق شده‌ام خیلی دوست دارم خیلی زودتر فکرهايم را به واقعیت ربط بدهم».

شرکت‌کننده شماره ۸ در مورد «قانع بودن» می‌گفت: «این دنیا چیه. که آدم آرزو داشته باشد... بعضی از بچه‌ها میگن دوست داریم ماشین و خانه داشته باشیم. من اصلاً دوست ندارم ... من همین کم که دارم را دوست دارم زیاد نشود بهتر است».

۲- آینده‌نگری

یکی دیگر از مقوله‌های مهم دیگری که کودکان و نوجوانان کار در مصاحبه‌های خود عنوان کرده بودند آینده‌نگری می‌باشد. آینده‌نگری در واقع همان هدف‌گرایی و برنامه داشتن برای آینده می‌باشد. یک نوع جهت‌گیری شناختی و عقلی برای آینده شخصی خود است که به افراد برای رسیدن به اهداف کمک می‌کند. افراد آینده‌نگر به‌طور حساب شده به عواقب تصمیمات و اعمالشان توجه می‌کنند و تلاش می‌کنند بین امیال و

آرزوهایشان و آنچه در پایان نصیبشان می‌شود، نوعی تعادل و توازن برقرار کنند. در تحلیل مصاحبه‌ها «برنامه‌ریزی برای آینده» و «توکل» تحت مقوله آینده‌نگری طبقه‌بندی شده‌اند.

۲-۱- توکل

توکل یعنی اعتماد و تکیه کردن به کسی. یعنی اعتماد کردن به خدا و آنچه از اوست و ناامید نشدن از آنچه به دست اوست. این مقوله حاصل دو مفهوم «امید به کمک خدا» و «اعتقاد به قضا و قدر» می‌باشد.

شرکت‌کننده شماره ۱۰ در مورد «امید به کمک خدا» اشاره می‌کرد: «من یک آدمی هستم که فکر فردا نیستم. خدا بزرگ است، چون خدایی که ما را خلق کرده ما به امید خدا بیرون می‌رویم که روزی ما را بدهد... فردا کی زنده هست ما باید فکر آخرت خودمان باشیم نباید فکر فردا باشیم».

شرکت‌کننده شماره ۶ در مورد «مفهوم اعتقادات به قضا و قدر» می‌گفت: «دوست دارم آینده‌ام خوب باشد... آینده دست خداست ... دست خدا بود که من اینجوری شدم».

۲-۲- برنامه‌ریزی برای آینده

برنامه‌ریزی برای آینده یعنی فرآیند تفکر در رابطه با فعالیت‌های لازم برای رسیدن به هدف مطلوب در آینده است. برنامه‌ریزی اولین و مهم‌ترین فعالیت لازم برای دستیابی به نتایج مطلوب در آینده است. بسته به فعالیت‌ها، هر برنامه می‌تواند بلندمدت، میان‌مدت یا کوتاه مدت باشد. این مقوله شامل هفت مفهوم «تفکر آینده‌نگر»، «رؤیای‌پردازی برای آینده»، «هدفمندی»، «جستجوی آرامش»، «جستجوی امنیت شغلی» و «آرزوی سلامتی برای خانواده» بود.

شرکت‌کننده شماره ۱۲ در مورد «مفهوم تفکر آینده‌نگری» می‌گفت: «سعی می‌کردم به آینده‌ای که دارم برایش تلاش می‌کنم فکر کنم ... به جایگاهی که می‌خواهم در آینده به دست بیاورم فکر می‌کنم... امید من فقط همان رؤیاهایی بود که در سر داشتم که امیدوارم روزی به واقعیت تبدیل بشود».

شرکت‌کننده شماره ۱۲ در مورد «مفهوم رؤیای‌پردازی برای آینده» اشاره می‌کرد:

«رؤیای پردازی من مثل دختر بچه‌ها بود. باید این جور بشوم. می‌خواهم روزی مادرم به من افتخار کند پیش همه بگوید این پسر من است».

شرکت‌کننده شماره ۵ در مورد «مفهوم هدفمندی» می‌گفت: «به نظرم زندگی شیشه مسابقه دو استقامت است... اگر می‌خواهی وسطش کم بیاوری به آن هدفی که برایت مشخص شده و یا خودت مشخص کرده‌ای نمی‌توانی برسی برای همین باید مقاومت کرد و با شرایط سختی که پیش می‌آید باید بجنگی و به هدفی که می‌خواهی برسی».

شرکت‌کننده شماره ۵ در مورد «مفهوم جستجوی آرامش» اشاره می‌کرد: «دوست دارم زندگی آرامی داشته باشم، مشکل نداشته باشم. آینده خوبی برایم رقم بخورد... دلم می‌خواهد ۲۵ سال به بالا دیگر برای کسی کار نکنم... دوست ندارم کسی به من دستور بدهد دوست دارم کارآفرین باشم».

شرکت‌کننده شماره ۸ اشاره کرد در مورد «مفهوم امنیت شغلی» می‌گفت: «دوست دارم راحت باشم این جور پیش نرود، تا ابد نخواهم با گاری پیش بروم به یک جایی برسم یه مغازه بگیرم داخل مغازه کار کنم».

شرکت‌کننده شماره ۷ در مورد «مفهوم سلامتی برای خانواده» می‌گفت: «دوست دارم بچه‌هایم مثل خودم سالم بار بیایند، سالم‌تر از من هم باشند. سلامتی را مهم‌ترین چیز می‌دانم. وقتی پول‌دار باشی یک شهر مال تو باشد وقتی سلامتی نداشته باشی هیچی نداری».

شرکت‌کننده شماره ۶ در مورد «مفهوم ازدواج آگاهانه» اشاره می‌کرد: «من به این زودی ازدواج نمی‌کردم. اگر هم ازدواج می‌کردم صبر می‌کردم ۲۰ ساله بشوم چشم‌هایم را قشنگ باز می‌کردم و با یک مرد خوب ازدواج می‌کردم... یعنی نمی‌خواهم اشتباه مادرم را تکرار کنم».

۲-۳- ناامیدی

ناامیدی یکی از مقوله‌های مهمی بود که از مصاحبه با کودکان و نوجوانان کار به دست آمد. ناامیدی احساس نارضایتی است که به دنبال برآورده نشدن انتظارات یا امیدها به وجود می‌آید. ناامیدی سرچشمه فشار روانی است. احساسی است که با کمبود امید، خوش

بینی و اشتیاق مشخص می‌شود در تحلیل مصاحبه‌ها بدینی تحت مقوله‌های ناامیدی طبقه‌بندی شده‌اند.

۲-۴- بدینی

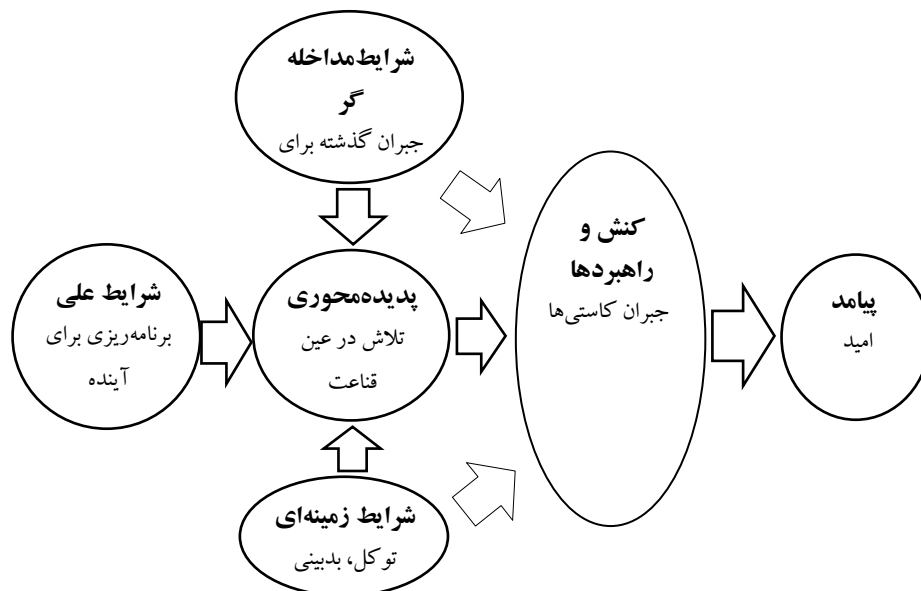
بدینی یعنی تمایل به داشتن افکار منفی. فرد بدین بیشتر روی جنبه‌های منفی هر موضوعی تمرکز می‌کند و همیشه منتظر بدترین‌ها اتفاقات است. افراد بدین بیشتر جنبه‌های تاریک یک اتفاق را می‌بینند و خودشان را به عنوان کسانی می‌بینند که در هیچ چیز نقشی ندارند و نمی‌توانند هیچ تأثیری روی دنیا بگذارند. این مقوله شامل سه مفهوم «بدینی نسبت به آینده»، «نگرش منفی نسبت به آرزوهای شخصی» و «ترس از آینده» می‌باشد.

شرکت کننده شماره ۹ در مورد مفهوم «بدینی نسبت به آینده» اشاره می‌کرد: «هیچ کس دوست ندارد آینده‌اش این جوری باشد. دوست دارند خوب باشد ولی الآن این جوری است تا الآن خوب نبوده، سرنوشت من تا الآن این بوده آینده هم خوب نیست». شرکت کننده شماره ۱۱ در مورد «مفهوم نگرش منفی نسبت به آرزوهای شخصی» می‌گفت: «من آرزویی ندارم. من آرزویی هم نداشته باشم از دستم برنمی‌آید. من به آرزوهایم فکر نمی‌کنم».

شرکت کننده شماره ۱۰ در مورد مفهوم ترس از آینده» اشاره می‌کرد: «من دوست داشتم کوچک بمانم بزرگ نمی‌شدم... الآن هم بزرگ نیستم ولی دوست داشتم ۵ یا ۶ ساله بمانم... وقتی بچه هستی چیزی نمی‌فهمی بهتر است، هر چه بزرگ تر می‌شویم مشکلات بزرگ تر می‌شود».

مدل پارادایمی پژوهش

برای درک بهتر در این مرحله بیشتر با مقوله‌های اصلی در هر بعد، الگوی مورد نظر ترسیم شد. نتایج مربوط این بخش در شکل ارائه شده است.



شکل ۱- مدل الگوی پارادایمی انتظارات از آینده

بر اساس شکل ۱ مقوله محوری «تلاش در عین قناعت» انتخاب شد. تلاش در عین قناعت یکی از مهم‌ترین مقوله‌هایی بود که کودکان و نوجوانان کار در مصاحبه‌های خود عنوان کردند. وقتی فرد قانع باشد کاری را که می‌خواهد انجام می‌دهد و کار و تلاش فرصتی برای شکوفایی استعدادها و خلاقیت می‌شود پس این مقوله نسبت به مقوله‌های دیگر از قدرت جذب و اهمیت بیشتری برخوردار است و سایر مقوله‌های دیگر را نیز پوشش می‌دهد. آینده‌نگر بودن که شامل تفکرات آینده‌نگر، رؤیایپردازی برای آینده و هدفمندی به عنوان شرایط علی انتخاب شد. تفکر در مورد آینده از این جهت با تلاش در عین قناعت مرتبط است که فرد با نگاه به زندگی کنونی و استفاده حداکثری از امکانات موجود می‌تواند برای برخورداری از امکانات بیشتر در آینده تلاش کند. بدین‌سان می‌تواند هم از زمان حال بهره و لذت ببرد و هم با تکیه بر تفکر آینده‌نگر برای بهبود اوضاع فعلی خود اقدام کند.

جبران گذشته برای فرزندان به عنوان شرایط مداخله‌گر انتخاب شد. شرایطی مداخله‌گر شرایط کلی و وسیعی هستند که بر چگونگی فرآیندها و راهبردها اثر می‌گذارند. به عبارتی دیگر، اگر کودکان و نوجوانان کار هدف و برنامه‌ای برای آینده خود داشته باشند جبران گذشته برای فرزندان می‌تواند به عنوان متغیر مداخله‌گر عمل کند که این کودکان می‌خواهند شرایطی را در آینده برای فرزندان خود ایجاد کنند تا مشکلاتی که خودشان در کودکی داشته‌اند، متوجه فرزند آن‌ها نباشد. علاوه بر شرایط علی، شرایط زمینه‌ای (مجموعه خاصی از شرایط که در یک‌زمان و مکان خاص جمع می‌آیند تا مجموعه اوضاع و احوال یا مسائلی را به وجود آورند که اشخاص با عمل و تعامل‌های خود به آن‌ها پاسخ دهند) در پژوهش عبارت بود از توکل و عدم بدبینی. توکل به خدا یعنی اعتماد کردن به خدا و آنچه از اوست و ناامید نشدن از آنچه دست اوست. وقتی افراد امیدشان به خداست باعث می‌شود به آینده که در انتظارشان است امیدوار باشند و تلاش کنند. این مقولات در واقع شرایطی هستند که در تلاش در عین قناعت نمود پیدا می‌کند و راهبردها در آن‌ها انجام می‌شود. جبران کاستی‌ها عنوان کنش‌های و تعاملات انتخاب شد. در واقع تلاش در عین قناعت در سایه توکل داشتن به خداوند و همچنین جبران کردن گذشته برای فرزندان خود باعث جستجو آرامش، جستجو امنیت شغلی، و هدفمندی را در کودکان کار را در پی خواهد داشت که این باعث امید در این کودکان کار می‌شود. در صورتی که کودکان نسبت به آینده خود بدبین باشند و امید به خداوند نداشته باشند ناامیدی را در پی خواهد داشت.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر بررسی کیفی انتظارات از آینده در کودکان و نوجوانان کار می‌باشد. یافته‌ها نشان داد که انتظارات از آینده در کودکان و نوجوانان کار شامل پنج بعد جبران گذشته برای فرزندان، تلاش در عین قناعت، توکل، برنامه‌ریزی برای آینده و بدبینی می‌شود که در ادامه به تبیین هر یک از آن‌ها پرداخته شده است. تلاش در عین قناعت به

عنوان یک مقوله محوری در انتظارات از آینده در کودکان کار در نظر گرفته شد. به عبارت دیگر کودکان و نوجوانان کار معتقد بودند که در صورتی انتظارات از آینده آن‌ها به درستی محقق می‌شود که در عین قناعت، برای رسیدن به هدف‌های خود و داشتن یک خانواده یکپارچه تلاش کنند.

قناعت یعنی فرد به آنچه در زندگی دارد راضی باشد و همین را برای زندگی کافی بدانند. پس با قناعت دایره نیازهای فرد محدود شده و کمتر احساس کمبود می‌کند، در نتیجه آرامش و شادی بیشتری خواهد یافت. وقتی فرد قانع باشد کاری را که می‌خواهد انجام می‌دهد و کار و تلاش فرصتی برای شکوفایی استعدادها و خلاقیت می‌شود. اهمیت این موضوع در بطن زندگی افراد یک جامعه و رویارویی با مشکلات و چالش‌های اقتصادی نمود پیدا می‌کند به گونه‌ای که می‌توان کارکردهایی همچون ساده زیستی، آرامش، امنیت، فقرزدایی، مدیریت مصرف و استقلال اقتصادی و... را از مهم‌ترین کارکردهای پیاده‌سازی و الگوسازی فرهنگ قناعت نام برد. این مقوله بسیار مهمی است که کودکان و نوجوانان کار به آن اشاره کرده بودند. زیرا با توجه به شرایط زندگی در کودکان و نوجوانان کار، آن‌ها بایستی برای برنامه‌ریزی شغلی و مدیریت زندگی، ابتدا قناعت‌پیشه کنند و زیاده‌خواه نباشند، در عین حال از وضعیت فعلی خود راضی نبوده و برای برون‌رفت از آن و به دست آوردن موفقیت‌های بیشتر تلاش کنند (King & Gaerlan, 2014: 285).

یکی دیگر از مقولاتی که در انتظارات از آینده توسط کودکان و نوجوانان کار در این پژوهش مطرح شد، جبران گذشته برای فرزندان بود. اکثریت کودکان و نوجوانان کار تجارب نامطلوب از دوران کودکی دارند. تجارب نامطلوب دوران کودکی (مثل بدرفتاری و بی‌توجهی) که به‌طور مستقیم بر کودکان و به‌طور غیرمستقیم از طریق محیط‌های زندگی خود (مثل تعارض والدین، سو مصرف مواد، یا بیماری ذهنی) تأثیر می‌گذارند. این کودکان وقتی در چنین شرایطی بزرگ می‌شوند دوست دارند فرزندانشان این شرایط را نداشته باشند و می‌خواهند شرایطی را در آینده برای فرزندان خود ایجاد کنند که آن‌ها با

مشکلات یک کودک کار بزرگ نشوند. می‌توان گفت در نتیجه سبک زندگی که کودکان کار دارند، انتظار آن‌ها از آینده تحت‌الشعاع قرار گرفته و بیشتر این کودکان در نظر دارند زندگی خود را به‌نوعی پیش ببرند که فرزندانشان چنین زندگی را تجربه نکنند. یکی دیگر از مقولات اشاره‌شده در این پژوهش برنامه‌ریزی برای آینده بود. کودکان و نوجوانان کار که در شرایط فقر و بی‌خانمانی بزرگ می‌شوند، هنگام آماده شدن برای بر عهده گرفتن نقش بزرگسالی، کار و خانواده با چالش‌های متعددی روبرو می‌شوند. فقر اقتصادی و اجتماعی خانواده نوجوانان کار می‌تواند در برنامه‌ها و انتظارات زندگی آن‌ها تداخل ایجاد کند. نوجوانان کار به دلیل محدودیت تحصیلات و عدم آموزش رسمی، فرصت‌های محدودی برای کشف مشاغل بالقوه دارد که در نتیجه آن انتظارات آن‌ها در مورد تشکیل خانواده در آینده نیز ممکن است دچار اختلال گردد. پژوهش‌های متعدد نشان داده است که نوجوانان انتظارات آموزشی و شغلی بالایی برای آینده خود دارند (Ali, McWhirter & Chronister, 2005: 43; Chin & Kameoka, 2002:450).

کودکان در سن یازده‌سالگی علاقه‌مند به فکر کردن به آینده دور و مهارت‌های پایه هستند که با افزایش سن به پیشرفت خود ادامه می‌دهند. با افزایش سن، نوجوانان بیشتر درگیر حوزه‌های خاص آینده مانند شغل، تحصیلات و خانواده می‌شوند. وقتی از نوجوان در مورد امیدها، اهداف یا انتظاراتشان از آینده سؤال می‌شود، اغلب بر اشتغال و تحصیل و پس‌از آن خانواده، ازدواج، فعالیت‌های اوقات فراغت و چیزهای مادی تمرکز دارند. (Nurmi, 2005: 34) به طور کلی دختران تمرکز خود را بر اهداف خانوادگی و پسران بر اهداف شغلی و آموزشی متمرکز می‌کنند. این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که نوجوانانی که در فقر رشد می‌کنند، بر اهداف شغلی تأکید دارند درحالی‌که نوجوانان طبقه متوسط اهداف آموزشی و اوقات فراغت را در اولویت قرار می‌دهند. برنامه داشتن برای آینده، به‌طور منظم با نتایج مثبتی از جمله خود کارآمدی، پایداری و یادگیری خود تنظیم‌شده همراه است. همچنین برنامه داشتن برای آینده، علاقه و انگیزه مداوم را برای فرد پیش‌بینی می‌کند (Cury et al, 200: 669).

یکی از مقولاتی که در انتظارات از آینده توسط کودکان و نوجوانان کار در این پژوهش مطرح شد، جبران گذشته برای فرزندان بود. اکثریت کودکان و نوجوانان کار تجارب نامطلوب از دوران کودکی دارند. تجارب نامطلوب دوران کودکی (مثل بدرفتاری و بی‌توجهی) که به‌طور مستقیم بر کودکان و به‌طور غیرمستقیم از طریق محیط‌های زندگی خود (مثل تعارض والدین، سو مصرف مواد، یا بیماری ذهنی) تأثیر می‌گذارند. این کودکان وقتی در چنین شرایطی بزرگ می‌شوند دوست دارند فرزندانشان این شرایط را نداشته باشند و می‌خواهند شرایطی را در آینده برای فرزندان خود ایجاد کنند که آن‌ها با مشکلات یک کودک کار بزرگ نشوند.

مقوله اصلی دیگر توکل بود که شامل امید به کمک خدا و اعتقاد به قضا و قدر می‌شد. توکل مؤلفه‌ای اصلی در روابط کاری است. توکل، آرامش و اعتماد به نفس درونی برای فرد به ارمغان می‌آورد یکی از نتایج توکل، داشتن امید به فضل و برکت خداوند است (Ghanbari, 2010: 8). بنابراین بعضی از این کودکان و نوجوانان کار هنگام مواجه شدن با شرایط سخت، همیشه با توکل و اعتماد داشتن به خداوند متقاعد شده‌اند که هر آنچه خدا برای آن‌ها حکم کرده است بهترین است حتی اگر ظاهراً برعکس آنچه انتظار دارند باشد.

بوسینگ^۱ و همکاران (۲۰۰۹) دریافتند که تکیه بر دین و معنویت (به‌عنوان مثال توکل داشتن) به عنوان یک منبع پیش‌بینی‌کننده کنترل داخلی برای مقابله با مشکلات است. رابطه بین کودکان و توکل کردن به خدا را می‌توان به عنوان رابطه دلبستگی فرض کرد که در آن بهشت امنی وجود دارد. بدون شک افزایش دلبستگی به خدا، اعتماد به خدا را افزایش می‌دهد. فاداردی و آزادی^۲ (۲۰۱۷) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که داشتن رابطه با خدا و تعهد معنوی پیش‌بینی‌کننده امید و خوش بینی است.

1. Bussing
2. Fadardi & Azadi

در اعتقادات اسلامی اعتماد به خدا، اعتقاد به اراده خداوند در طول عمر انسان است و شامل سپردن امور به خداست. انتظار می‌رود چنین اتکایی باعث افزایش فعالیت شخصی و خونسردی ذهنی در فرد متعهد شود و همچنین نوجوانان را از احساس ناامیدی و احساسات منفی حفظ کند، لذا نوجوانان با توکل و اعتقاد قلبی به خداوند در مسیر رشد و تربیت الهی قرار می‌گیرند و به ویژگی‌هایی چون عزت‌نفس، عفو و بخشش، ایثار و شجاعت، صبر و استقامت، قناعت و... دست می‌یابد که آراستگی به این ویژگی‌ها سبب می‌شود فشارهای روانی ناشی از مسائل زندگی کاهش یابد و منجر به تأمین بهداشت و سلامت روان آن‌ها گردد. مهم‌ترین تأثیری که باور به توکل در فرد ایجاد می‌کند، آرامش و سکون است که تأمین‌کننده سلامت روح و روان فرد و زمینه‌ای برای ایجاد تربیت صحیح و الهی است.

در نهایت، مقوله اصلی دیگر بدینی بود که شامل دو مفهوم بدینی نسبت به آینده و نگرش منفی نسبت به آرزوهای شخصی می‌شد. بدینی در کودکان و نوجوانان کار بر اساس تجارب دوران کودکی و دل‌بستگی‌های ناایمن به وجود می‌آید. کمبود محبت و حمایت نشدن از سوی والدین باعث می‌شود آن‌ها دنیا را تهدیدکننده ببینند و بعدها این نگاه را به سایر ارتباطات اجتماعی خود گسترش دهند؛ در واقع بدینی کودکان کار با افزایش سن فراگیر می‌شود. افراد بدبین روی جنبه‌های منفی زندگی تمرکز دارند و نیمه خالی لیوان را می‌بینند؛ یعنی فقط نکات منفی را می‌بینند که این نگرش می‌تواند عوارض جانبی منفی و جدی بر زندگی آنان داشته باشد به طوری که این افراد گاهی اوقات از اجتماع طرد می‌شوند، در زندگی دائماً درجا می‌زنند، به ندرت به موفقیتی دست می‌یابند و علاوه بر این با منفی‌بافی‌های خود اطرافیان‌شان را مورد آزار قرار می‌دهند.

مطابق پژوهش بنیامین^۱ (۲۰۰۵) افراد در موقعیت‌های مختلف زندگی خود ممکن است میزان خوش بینی و بدینی متفاوتی را تجربه کنند. عده‌ای ممکن است بدینی خود را در حضور دیگران ابراز کنند اما در زندگی فردی خود خوش‌بین باشند. در مورد نوجوانان این احتمال وجود دارد که آن‌ها در هر زمان و هر مکان با اضطراب مربوط به خواسته‌های

1. Benyamini

آینده خود بدبینی را به عنوان یک مکانیزم دفاعی استفاده کنند و نسبت به رویدادهای آینده انتظارات خود را کاهش دهند. هرچند ممکن است خوش بینی ناشی از موفقیت‌های قبلی را تجربه کرده باشند (Benyamini, 2005: 1467). افراد بدبین از زندگی خود ناراضی هستند، استرس بیشتر و علائم افسردگی بالاتری را تجربه می‌کنند (Chang, 2001)، در مدرسه موفق نمی‌شوند و شغل‌های پایین‌تری را انتخاب می‌کنند (Patton, 197 Bartrum & Creed).

در جمع‌بندی پژوهش می‌توان گفت سطح پایین انتظارات از آینده در کودکان کار مسلماً از شرایط سخت و طاقت‌فرسای زندگی آن‌ها نشأت گرفته است که این شرایط هیچ شباهتی به دنیای شاد کودکی ندارد. در نتیجه سبک زندگی که کودکان کار دارند، انتظار آن‌ها از آینده تحت‌الشعاع قرار گرفته و بیشتر این کودکان در نظر دارند زندگی خود را به‌نوعی پیش ببرند که فرزندانشان چنین زندگی را تجربه نکنند. یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر، فقدان پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه انتظارات از آینده در کودکان و نوجوانان کار است. نبود پیشینه کافی شرایط پژوهش را محدود می‌سازد. بیشتر این کودکان و نوجوانان مهارت کافی برای خواندن و نوشتن نداشتند و از این جهت در درک برخی سؤالات مصاحبه مشکل داشتند.

همچنین این پژوهش تنها در کودکان و نوجوانان کار در شهر ساری مورد بررسی قرار گرفته است و نمی‌توان نتایج آن را به سایر کودکان و نوجوانان کار تعمیم داد. شاید مهم‌ترین محدودیت این پژوهش تعداد کم نمونه و نبود تنوع کافی از لحاظ سطح تحصیلات کودک، والدین، و سایر متغیرهای جمعیت شناختی بود. با اینکه محققین وقت زیادی را برای نمونه‌گیری صرف کردند، از لحاظ منابع مالی، زمانی و قدرت دسترسی، انتخاب حجم نمونه بالاتر بیش از این در این پژوهش ممکن نبود. بنابراین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی تنوع بیشتری در نمونه‌گیری لحاظ شود و تحلیل‌ها به تفکیک متغیرهای جمعیت شناختی در مورد انتظار از آینده کودکان و نوجوانان کار انجام شود.

با توجه به محدودیت‌های این پژوهش پیشنهاد می‌شود مطالعات مشابه در شهرهای دیگر نیز انجام شود تا قدرت تبیین و تعمیم بهتری برای نتایج پژوهش وجود داشته باشد. پیشنهاد بعد این است که مطالعات آتی به نقش متغیرهای رضایت از زندگی، سبک زندگی و متغیرهای مشابه نیز توجه نمایند و رابطه این متغیرها با انتظارات از آینده را نیز بررسی نمایند. اما در مقام پیشنهادهای کاربردی، با توجه به این که در پژوهش حاضر توکل به خدا و عدم بدبینی عامل مهمی برای تلاش جهت رسیدن به اهداف آینده بود، مداخلات مبتنی بر روانشناسی مثبت و آموزش‌های مبتنی بر باورهای دینی می‌تواند برای داشتن امید بیشتر در این کودکان و نوجوانان مؤثر واقع شود؛ همچنین ایجاد شرایط مناسب تحصیلی از سوی دولت و نهادهای مرتبط جهت فراهم ساختن شرایط ادامه تحصیل این کودکان و نوجوانان کار می‌تواند در بهبود انتظارات از آینده در کودکان کار مفید می‌باشد.

منابع

- حسینی، سید حسن. (۲۰۰۶). «شرایط کودکان کار و خیابان در ایران»، رفاه اجتماعی، سال پنجم، شماره ۱۹: ۱۵۵-۱۷۴
- سعدی پور، اسماعیل. (۱۳۹۳)، روش‌های تحقیق در روانشناسی و علوم تربیتی، تهران: نشر دوران، چاپ ششم
- سفیری، خدیجه؛ احمدی، شهربانو؛ رستمی، سارا و پرهوده، فرناز. (۱۳۹۳)، «مطالعه‌امید به آینده کودکان کار خیابانی (مطالعه موردی: شهر تهران)»، دومین کنفرانس ملی جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی، تهران.
- سلیمانی، مهدیه و حاجیانی، ابراهیم. (۱۳۹۲)، «الگوی از حکمرانی خوب در راستای ساماندهی کودکان خیابانی (مطالعه موردی: تهران)»، مجله مدیریت فرهنگی، سال هفتم، شماره ۲۲: ۵۳-۶۹
- سیمبر، ثنا؛ حسین خانزاده، عباسعلی و ابوالقاسمی، عباس. (۲۰۱۹)، «امید به آینده، روابط دلبستگی و مشکلات هیجانی-رفتاری در کودکان کار»، فصلنامه سلامت روان کودک، سال ششم، شماره ۳: ۵۱-۶۵.
- عبدالهی، مهرناز. (۱۳۸۹)، «تبیین جامعه‌شناختی امید به آینده»، رشد آموزش علوم اجتماعی، سال یکم، شماره ۴۹: ۳۴-۴۱

- Afshani, S.A., Askari-Nodoushan A, Heydari M, Noorian-najafabadi M. (2013). "An Analysis of the Street-Children Phenomenon in the City of Isfahan." *Journal of Applied Sociology*, 23(4),85-102.
- Ali, S. R., McWhirter, E., & Chronister, K. M. (2005). "Self-Efficacy and Vocational Outcome Expectations for Adolescents of Lower Socioeconomic Status: A Pilot Study." *Journal of Career Assessment*, 13, 40-58.
- Benyamini, Y. (2005). "Can high optimism and high pessimism co-exist?" *Findings from arthritis patients coping with pain, Personality and Individual Differences*, 38, 1463-1473.
- Bilgin, R. (2009). "Sociological research on children working on the streets in Diyarbakir." *Electronic Journal of SocialSciences*, 8(27), 232-244.

- Bilgin, R. (2012). "The risks and the dangers which are waiting the children who work on the streets: The example of Diyarbakır." *Journal of Management Economics and Business*, 8(15), 79–96.
- Buřsing, A., & Mundle, G. (2009). "Trust-in-God's help as a measure of intrinsic religiosity and its association with depression and life satisfaction in patients with depressive disorders and addictions." *European Journal of Integrative Medicine*, 1(4), 190–191.
- Catalano, R. F., Berglund, M. L., Ryan, J. A. M., Lonczak, H. S., & Hawkins, J. D. (2004). "Positive youth development in the United States: Research findings on evaluations of positive youth development programs." *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*, 591, 98-124.
- Chang, E. C. (Ed.). (2001). *Optimism and pessimism*. Washington, DC: American Psychological Association.
- Chin, D., & Kameoka, V. A. (2002). "Psychosocial and contextual predictors of educational and occupational self-efficacy among Hispanic inner-city adolescents." *Hispanic Journal of Behavioral Sciences*, 24, 448-464.
- Cury, F., Elliot, A. J., Da Fonseca, D., & Moller, A. C. (2006). "The social-cognitive model of achievement motivation and the 2 × 2 achievement goal framework." *Journal of Personality and Social Psychology*, 90, 666–679
- Fadardi, J. S., & Azadi, Z. (2017). "The relationship between trust-in-God, positive and negative affect, and hope." *Journal of religion and health*, 56(3), 796-806.
- Feather, N. T. (1966). "Effects of prior success and failure on expectations of success and subsequent performance." *Journal of Personality and Social Psychology*, 3(3), 287-298.
- Ghahremani, S., Khosravifar, S., Ghazanfarpour, M., Sahraei, Z., Saeidi, A., Jafarpour, H., ... & Babakhanian, M. (2019). "Factors Affecting Child Labor in Iran: A Systematic Review." *International Journal of Pediatrics*, 7(9), 10067-10075.
- Ghanbari, B. A. (2010). "Trust-in-God from the view of Nahj-AL-Blaqah." *Islam Pizhuhi*, 4(61), 8-16.
- Hendricks, G., Savahl, S., Mathews, K., Raats, C., Jaffer, L., Matzdorff, A., & Pedro, A. (2015). "Influences on life aspirations among adolescents in a low-income community in Cape Town, South Africa." *Journal of Psychology in Africa*, 25(4), 320-326.
- Holgado D, Maya-Jariego I, Ramos I, Palacio J, Oviedo-Trespalacios O, Romero- Mendoza V, Amar J. (2014). "Impact of child labor on academic

- performance: evidence from the program ‘‘Edu´ came Primero Colombia’’.
International journal of educational development. 34, 58–66.
- Homaie Rad E, Gholampoor H, Jaafari-pooyan E. (2015). "Child labor and the influencing factors: evidence from less developed provinces of Iran." *Iranian journal of public health*. 44(9),1244.
 - Ilahi, N., Orazem, P.F. and Sedlacek, G. (2009). How does working as a child affect wages, income, and poverty as an adult? *Child Labor and Education in Latin America (pp. 87-101.)*. Palgrave Macmillan, New York, NY,
 - King, R. B., & Gaerlan, M. J. M. (2014). "How you perceive time matters for how you feel in school: Investigating the link between time perspectives and academic emotions." *Current Psychology*, 33(3), 282-300.
 - Kirkpatrick, L.A. (2005). *Attachment, evolution, and the psychology of religion*, New York: The Guilford Press,
 - Kızmaz, Z., & Bilgin, R. (2010). "Sokakta çalışan/yaşayan çocuklar ve suç: Diyarbakır örneği." *Elektronik Sosyal Bilimler Dergisi*, 9(32), 271-311.
 - Lopez, S. J., Snyder, C. R., & Teramoto Pedrotti, J. (2003). Hope: Many definitions, many measures. In S. J. Lopez & C. R. Snyder (Eds.), *Positive psychological assessment: A handbook of models and measures* (pp. 91–106). New York: American Psychological Association.
 - Marques, S. C., Lopez, S. J., & Pais-Ribeiro, J.L. (2011). "Building hope for the future: A program to foster strengths in middle-school students." *Journal of Happiness Studies*, 12(1), 139-152.
 - McWhirter, E.H., & McWhirter, B. T. (2008). "Adolescent future expectations of work, education, family, and community: Development of a new measure." *Journal Youth & Society*, 40(2), 182-202.
 - Mickley, J, R., Soeken, K., & Belcher, A. (1992). "Spiritual well-being, religiousness and hope among women with breast cancer." *Journal of Nursing Scholarship*, 24(4). 267–272.
 - Munoz, RT., Quinton, KA., Worley, JA., & Hellman, CM. (2019). "Locus of hope: external hope in parents/guardians as an antecedent of adolescents internal hope & life satisfaction." *Child Child Indicators Research*, 12(3). 1107–1124.
 - Nqweni, Z. C., Pinderhughes, E, E., & Hurley, S. (2010). "Delinquent adolescents’ regrettable behaviours and parental engegement: A cross-cultural comparission." *Journal of Psychology in Africa*, 20(2), 249–257.
 - Nurmi, J. E. (2005). Thinking about and acting upon the future: Development of future orientation across the life span. *Understanding behavior in the context of time: Theory, research, and application (pp. 31-57)*. Mahwah, NJ: Erlbaum.

- Patton, W., Bartrum, D. A., & Creed, P. A. (2004). "Gender differences for optimism, self esteem, expectations and goals in predicting career planning and exploration in adolescents." *International Journal for Educational and Vocational Guidance*, 4, 193–209.
- Radmard, S., Beltekin N. (2014). "A research on sociality of learning and success-istanbul street children case." *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 141, 1335-1338.
- Ramos, D. O., Seidl-de-Moura, M. L., & Pessôa, L. F. (2013). "Jovens e metas para o futuro: Uma revisão crítica da literature." *Estudos de Psicologia*, 18, 467-475.
- Rand, K. L., & Cheavens, J. S. (2009). Hope theory. In C. R. Snyder & S. J. Lopez (Eds.), *Oxford handbook of positive psychology* (2nd ed., pp. 323–333). New York: Oxford University Press.
- Saad-Lessler, J. A. (2010). "A cross-national study of child labor and its determinants." *The Journal of Developing Areas*, 44(1), 325-344
- Salihu, H.A. (2019). "The Growing Phenomenon of Street Children in Tehran." *Journal of Social Sciences*. 3(1),1-10.
- Seginer, R. (2008). "Future orientation in times of threat and challenge: How resilient adolescents construct their future." *International Journal of Behavioral Medicine*, 32, 272-282.
- Senin, N., & Ng, I. Y. (2012). "Educational aspirations of Malay youths from low-income families in Singapore." *Asia Pacific Journal of Social Work and Development*, 22(4), 253-265.
- Sim, A., Suryadarma, D., & Suryahadi, A. (2017). "The consequences of child market work on the growth of human capital." *World Development*, 91, 144-155.
- Sipsma H, Biello K, Cole-Lewis H, et al. (2010). "Like father, like son: the intergenerational cycle of teenage fatherhood." *American Journal of Public Health*, 100(3), 517-524.
- Snyder, C. R. (1994). *The psychology of hope: You can get there from here*. New York: Free Press.
- Snyder, C. R. (2002). "Hope theory: Rainbows in the mind." *Psychological Inquiry*. 13, 249–275.
- Snyder, C. R., Harris, C., Anderson, J. R., Holleran, S. A., Irving, L. M., Sigmon, S. T., et al. (1991). "The will and the ways: Development and validation of an individual differences measure of hope." *Journal of Personality and Social Psychology*, 60, 570–585.

- Vaillanta GJ, Templeton M, Ardel SE. (2008). "The Natural History of Male Mental Health: Health and Religious Involvement." *Social Science & Medicine*, 66, 221–231.
- Vansteenkiste, M., Soenens, B., Verstuyf, J., & Lens, W. (2009). "What is the usefulness of your schoolwork? The differential effects of intrinsic and extrinsic goal framing on optimal learning". *Theory and Research in Education*, 7, 155-164.
- Watkins, K., Zyck, SA. (2014). "Living on hope, hoping for educationL the failed response to the Syrian refugee crisis." *Overseas Development Institute*, 12, 1-13.
- Wyman, Peter A., Emory L. Cowen, William C. Work, & Judy H. Kerley (1993). "The role of children's future expectations in self-system functioning and adjustment to life stress: A prospective study of urban at-risk children." *Development and psychopathology*, 5(4), 649-661.

استناد به این مقاله: ابراهیمی کیاسری، هاجر و رضاپور میرصالح، رضا . (۱۴۰۲). انتظارات از آینده در کودکان و نوجوانان کار، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۱۴(۵۶)، ۳۱۳-۳۴۶.



Social Development and Welfare Planning Journal is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.